



## رهیافتی گونه‌شناسانه از تحلیل فضایی و کالبدی خانه‌های بومی اردبیل\*\*

بابک پهلوان<sup>۱</sup>، احمد امین پور<sup>۲</sup>، غلامحسین معماریان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران. ba.pahlevan@google.com  
<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار دانشگاه (دکتری تخصصی معماری)، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران. aminpoor@aui.ir  
<sup>۳</sup> استاد دانشگاه (دکتری تخصصی معماری)، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران. memarian@iust.ac.ir

### چکیده

ویژگی‌ها و خصوصیات متداوم در فرهنگ بومی از مقولاتی است که ریشه در تاریخ معماری ایران دارد و موجب شده است مؤلفه‌های معماری ایران در طی قرون مختلف سیری تکوینی همگام با رشد و دگرگونی‌های فرهنگ ایرانی داشته باشد. برای شناخت و تحلیل فضای کالبدی خانه‌های بومی، رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد. یکی از این رهیافت‌ها، رهیافت گونه‌شناسانه است. نمونه مورد پژوهش در این مقاله خانه‌های سنتی اردبیل انتخاب شده است. در شهر اردبیل الگویی که در خانه‌ها استفاده شده از نظر شکلی و فضایی یکسان؛ ولی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد در هر بناست. این الگوها که برگرفته از شیوه زندگی و شخصیت اجتماعی افراد و ارتباط سازه و معماری است، دارای خصوصیات شکلی و فرمی منحصر به فردی است که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی است. در قسمت توصیفی به صورت کیفی، با انجام مطالعات و تحلیل نظریه‌های پایه مرتبط و شناخت عناصر کالبدی و فضایی خانه‌های بومی، به رابطه همبستگی اجزاء پرداخته می‌شود. داده‌های این تحقیق نیز از طریق مشاهده میدانی استخراج و مورد مطالعه استدلالی قرار گرفته است. با توجه به اینکه تاکنون طبقه‌بندی خاصی در این خصوص انجام نشده لذا در این پژوهش سعی شده است با مطالعه پیشینه گونه‌شناسی و دسته‌بندی گونه‌ها چارچوبی برای طبقه‌بندی معماری خانه‌های اردبیل به دست آورد.

### اهداف پژوهش

۱. بهبود روش‌های طراحی مسکن با شناسایی و تحلیل عناصر کالبدی و فضایی معماری بومی.
۲. تقویت عناصر کالبدی و فضایی معماری خانه‌های معاصر و نهایتاً ارتقاء هویت بومی و منطقه‌ای مسکن.

### سوالات پژوهش

۱. با کدام شاخص می‌توان عناصر کالبدی و فضایی خانه را گونه‌بندی کرد؟
۲. چگونه می‌توان عوامل شکل‌دهنده معماری خانه‌های بومی اردبیل را شناسایی کرد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۶۰ الی ۷۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

رهیافت گونه‌شناسی،  
تحلیل فضایی و کاربردی،  
خانه‌های بومی،  
اردبیل.

### ارجاع به این مقاله

پهلوان، بابک، امین پور، احمد، معماریان، غلامحسین. (۱۴۰۰). رهیافتی گونه‌شناسانه از تحلیل فضایی و کالبدی خانه‌های بومی اردبیل. هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۶۰-۷۳.



[dori.net/dor/20.1001.1.1](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.289602.1625)

[۲۳۵۷۰۸.۱۴۰۰.۱۸.۴۳.۱۸.۱](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.289602.1625)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.289602.1625)

[۲۰۲۱.۲۸۹۶۰۲.۱۶۲۵](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.289602.1625)

\*\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری بابک پهلوان با عنوان تحلیل عناصر کالبدی- فضایی خانه به مثابه مبنایی برای تداوم معماری (نمونه موردی خانه‌های بومی اردبیل) است که به راهنمایی دکتر احمد امین پور و مشاوره دکتر غلامحسین معماریان در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه هنر واحد اصفهان ارائه شده است.





## مقدمه

معماری ایران در کل و معماری مسکونی آن به‌صورت خاص کمتر مورد مطالعه قرار گرفته. این موضوع در منطقه آذربایجان و اردبیل نیز بسیار مشهود است و زمانی بیشتر به چشم می‌آید که بخواهیم در خصوص معماری این منطقه مطالبی علمی به دست آوریم؛ لذا ضروری به نظر می‌رسد که مطالعات دقیق درباره‌ی گونه‌بندی و گونه‌شناسی معماری منطقه آذربایجان و مخصوصاً منطقه اردبیل انجام گیرد. بنابراین برای رسیدن به مطالعات علمی نیاز به طبقه‌بندی یا به‌عبارت بهتر گونه‌شناسی معماری این مناطق است. از آنجا که درک مفهوم گونه، اولین قدم برای گونه‌شناسی اردبیل است، در این تحقیق بر اساس منابع مکتوب و نمونه‌ها به بررسی مفهوم گونه پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است در اکثر موارد ویژگی‌های کالبدی ملاک گونه‌شناسی قرار می‌گیرند. البته می‌بایست در برخی موارد هم علاوه بر آن عوامل معنایی هم ملاک عمل قرار گیرد. روش‌های مختلفی در شناخت معماری وجود دارد. گونه‌شناسی و دسته‌بندی بر اساس شاخصه‌های مختلف از زمان‌های بسیار دور مدنظر اندیشمندان رشته‌های مختلف بوده است.

شناخت و کاربرد فراوان گونه‌شناسی در شاخه‌های مختلف علوم از دیرباز تاکنون بیانگر اهمیت به‌سزای آن است. از اواسط قرن هجدهم در معماری و باستان‌شناسی به‌عنوان ابزاری برای شناخت و دسته‌بندی بهره گرفته شد. حدود ۲۵۰۰ سال است که گونه‌شناسی در علم گیاه‌شناسی آغاز و وارد سایر رشته‌ها به‌صورت علمی شد. در علوم نظیر روان‌شناسی، اقتصاد، ریاضیات و علوم دیگر گونه‌شناسی جایگاهی خاص دارد. در روان‌شناسی دسته‌بندی رفتارهای انسانی بر اساس یک حالت روانی خاص کاربرد دارد. در علم اقتصادی نیز دسته‌بندی بر اساس منبع درآمد آن‌ها نمادی از کاربرد توپولوژی است. اما گونه‌شناسی معماری از زمان لازی آغاز شد. لازی در قرن هجدهم به ریشه‌های معماری می‌پردازد. او سرپناه‌های ساده را مطالعه می‌کند. دوران در اوایل قرن نوزدهم برای دسته‌بندی بناهای مختلف از گونه‌شناسی شکلی استفاده کرد. بهره‌گیری از گونه‌شناسی در شناخت معماری تا اوایل قرن بیستم به‌طور جدی ادامه داشت، سیدنی ادی در کتاب *تکامل خانه انگلیسی* از گونه‌شناسی بهره گرفته است. وی معتقد بود که هنر بر مبنای فرم‌های استاندارد و گونه‌هایی است که همیشه دوباره ظاهر شده و تنوع بی‌نهایتی را ایجاد می‌کنند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است اما آثاری به بررسی گونه‌شناسی در معماری پرداخته‌اند. در قرن ۱۹ میلادی جان راسکین درباره گونه‌ها مطالعه و تحقیق انجام داد. لوکوربوزیه به طبقه‌بندی اعتقاد داشت. وی در کتاب شهر فردا می‌نویسد: «فرهنگ، خود را در محقق شدن کامل تجهیزات در اختیار خودمان یا از راه انتخاب و حیطه‌بندی و تکامل به ظهور می‌رساند». لوکوربوزیه نیز اصطلاحات شیء گونه‌ای، پیکرگونه‌ای و انسان‌گونه‌ای را به کار می‌برد. تلاش وی در جهت پیدا کردن جوهر اشیاء در نوشته‌های والتر گیرپیوس و موهولی ناگی منعکس شده است؛ اما معماران مدرن به دلیل اینکه گونه و کاربرد آن نمی‌تواند در خلاقیت معمار و دانشجوی معماری تأثیر داشته باشد، آن را قبول نمی‌کردند (معماریان، ۱۳۸۴: ۲۸). این همان

مفهومی است که جان کارلود کالو (۱۹۸۵) به آن استریوتایپ یا گونه مانع یا گونه انجمادکننده می‌گوید (De Carlo, ۱۳۸۵: ۵۴). از اولین کسانی که این ایده را مورد انتقاد قرار دادند، می‌توان به والتر گریپوس اشاره کرد که اصرار و میل شدید نقادان در طبقه‌بندی نهضت‌های معاصر را نقد کرد. «تلاش برای طبقه‌بندی و منجمد کردن هنر و معماری زنده و تبدیل آن‌ها به یک اسم به احتمال زیاد برای خاموش کردن فعالیت‌های خلاقانه است و نه تحریک و تصحیح آن». موهولی ناگی ملیل بود معماری را در امتداد مسیر ویتروویوس به اقتصاد، فناوری و فرم یا اجرای اجتماعی، فنی و زیبایی‌شناسی تبدیل کند (برنال، ۱۳۸۰: ۳۸۵). آلن کولکوهن در سال ۱۹۶۹ در مقاله «گونه‌شناسی و روش طراحی» اظهار داشت: بدون ابزارهای دقیق‌تر و تحلیل، طراح به‌طور طبیعی طبق مثال‌های قبلی خود برای حل مسائل جدید درباره راه‌حل‌های گونه‌شناسی اقدام می‌کند (کاپن، ۱۳۸۳: ۴۵). در آثار بالا به موضوع موردنظر این پژوهش پرداخته نشده است؛ لذا پژوهش حاضر در بخش نظری با رویکرد کیفی و ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی و توصیفی به ارائه چارچوب نظری می‌پردازد. در بخش مربوط به مطالعه خانه‌ها نیز به صورت موردی به ارزیابی خانه‌های بومی اردبیل پرداخته می‌شود. در واقع جامعه آماری خانه‌های بومی اردبیل است. در این راستا با مشاهدات حضوری و برداشت میدانی همراه با مصاحبه از ساکنان خانه و توصیف آن این ارزیابی تکمیل می‌شود.

### ۱. مبانی نظری و ساختار فضایی خانه‌های بومی اردبیل

برای درک و شناخت معماری ایران، بناهای سنتی بهترین نمونه هستند. در واقع شناخت مبانی نظری و وجودی معماری ایران در گرو مطالعه و بررسی معماری سنتی ایران است. در بررسی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری معماری سنتی توجه به فرهنگ، دین و نحوه زندگی مردم بسیار حائز اهمیت است. شیوه زندگی مردم برگرفته از فرهنگ و مذهب است. تمامی ویژگی‌هایی که برای معماری ایرانی و اسلامی منصوب می‌شود، از این سه تفکر نشأت گرفته است. البته شیوه زندگی مردم نیز نهایتاً سبب شکل‌گیری معماری سنتی شده که می‌بایست به صورت دقیق مورد توجه قرار گیرد. شیوه زندگی یعنی روشی که مردم انتخاب می‌کنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند (Rapaport, ۱۹۸۰: ۷۸).

به بیانی دیگر شیوه زندگی عبارت فشرده‌ای است که شامل تمام رفتارهای آدمی می‌شود. رفتار با خود، رفتار با خانواده و با جامعه، خانه، محله و شهر محصول فضایی شیوه زندگی خود خانواده و جامعه است. از این منظر می‌توان گفت که شیرینی تأثیر این عامل بر شکل خانه را باید در چگونگی سازمان فضایی خانه‌ها جستجو کرد. به عبارت دیگر شیوه زندگی شامل کنش متقابل فرد، خانواده، گروه و جامعه با فضا می‌شود. عامل دیگری که علاوه بر سه نمونه ذکرشده در معماری سنتی ایران حائز اهمیت بوده، عامل اقلیم است. با توجه به بررسی‌های انجام‌یافته معماران تجربی در ساخت خنله به ویژگی‌های اقلیمی نیز توجه می‌کردند. بر این اساس جهت‌گیری خانه‌ها با توجه به پژوهش‌های پیرنیا به سه دسته تقسیم می‌شود:



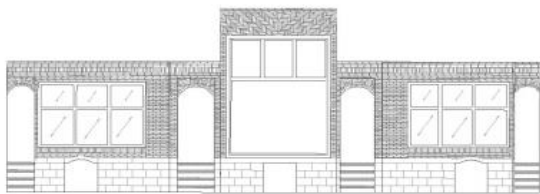
۱-رون راسته؛ ۲-رون اصفهانی؛ ۳-رون کرمانی (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۳۶) که در منطقه آذربایجان و شهر اردبیل از رون راسته جهت قرارگیری ساختمان استفاده می‌کردند. رون راسته جهت شمال شرقی و جنوب غربی است. در رابطه با معماری شهر اردبیل در کتاب *اردبیل*، گذرگاه تاریخ مطالبی کمی گفته شده که بیشتر کلیات است. به گونه‌ای که معماری اردبیل را در ادامه معماری منطقه آذربایجان می‌دانند و اماکن مذهبی، حمام و کاروانسرا منطبق بر اصول اقلیمی و خانه‌ها نیز برای افراد متمول با سبک و شیوه خاصی طراحی و اجرا شده است. (صفری، ۱۳۶۲: ۲۴۴) بر این اساس سبک خانه‌ها بر پایه طراحی متقارن بوده؛ بدین معنی که در وسط ساختمان تالار بزرگی به شکل مستطیل می‌ساختند و در پشت آن به اندازه طول تالار آشپزخانه که مطبخ می‌گفتند، ساخته می‌شد. تالار محل پذیرایی بود و بزرگی آن به امکانات مالی و موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه بستگی داشت. (صفری، ۱۳۶۲: ۲۴۵). با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در این کتاب، بزرگی و کوچکی خانه‌ها و اتاق‌ها بر اساس تعداد پنجره سنجیده می‌شد و در برخی مواقع به جای پنجره از آینه استفاده می‌کردند (مثلاً ۷، ۹، ۱۱ آینه) (صفری، ۱۳۶۲: ۲۴۶). طبق تحقیقات انجام‌یافته در خانه‌های بومی اردبیل توجه به ویژگی‌های اقلیمی و همچنین نیاز استفاده‌کنندگان، فضاها و کاربری‌ها متناسب با این نیاز طراحی شده است به‌عنوان مثال زیرزمین تقریباً در تمامی خانه‌ها وجود داشته و این قسمت در زیر تالار بود. در قسمتی از آن نیز حوضی با چاه آب و تلمبه دستی به چشم می‌خورد. این کار برای آن بوده که در زمستان سرد اردبیل که حوض آب یخ می‌بست، شستن دست‌وپا و صورت و گرفتن وضو برای اهل خانه میسر شود (همان، ۱۳۶۲: ۲۴۷). سایر فضاها نیز همانند زیرزمین به گونه‌ای طراحی و ساخته می‌شد که مطابق نیازها باشد. مصالح ساختمانی نیز غالباً خشت، آجر و آهک بود؛ ولی پی‌ها را همیشه با سنگ لاشه و آهک می‌گرفتند و نمای ساختمان را تا ازاره، یعنی تا زیر پنجره‌ها، با سنگ‌های حجاری‌شده و از آن به بالا با آجر می‌ساختند و جرز آجرها را با گچ بند می‌کشیدند و سال‌های بعد که نمای ساختمان بر اثر باد و باران و آفتاب و گردوغبار رنگ خود را عوض می‌کرد، با رنگ روغن به رنگ آجری و روی‌بندها را به رنگ سفید نقاشی می‌کردند (همان، ۱۳۶۲: ۲۴۷).

خلنه‌های اردبیل طبق آن چیزی که قلیل مشاهده است، دارای حیاط مرکزی است؛ حیاطی بزرگ در جلوی ساختمان که حوض سنگی در وسط آن قرار دارد. این حوض توسط چاه آبی که در کنار آن قرار داشت، پر می‌شد. در دو طرف حوض باغچه و درختان قرار می‌گرفتند. قسمت بین خانه و باغچه را نیز با آجر فرش می‌کردند. این سبک خانه‌ها به گونه‌ای که اشاره شد، مخصوص اعیان و اشراف بود ولی برای طبقات متوسط خانه‌های کوچک‌تری ساخته می‌شد. این خانه‌ها معمولاً عبارت از دو اتاق و یک بالاحانه و یک مطبخ بود. در وسط دو اتاق دهلیز قرار داشت. در انتهای راهرو دری به مطبخ باز می‌شد و پلکانی در سمت دیگر آن، آدمی را به بالاحانه‌ای که بر روی دهلیز می‌ساختند، می‌رساند. مطبخ و حیاط نیز متناسب با وسعت خانه بود و حوض آن نیز کوچک‌تر از خانه‌های اعیان ساخته می‌شد. مصالح به‌کاررفته در این بناها بیشتر با خشت بود و فقط در نمای آن‌ها آجر به کار برده می‌شد (صفری، ۱۳۶۲: ۲۴۸). در زمان‌های قدیم به‌ویژه در زمان صفویه بنای ایوان در جلوی خلنه‌ها معمول بود و بنا به نوشته کتاب شاه اسماعیل صفوی، نه فقط عمارت خانقاه‌ها ایوان‌های متعدد داشت بلکه در اردبیل اکثر خانه‌ها دارای

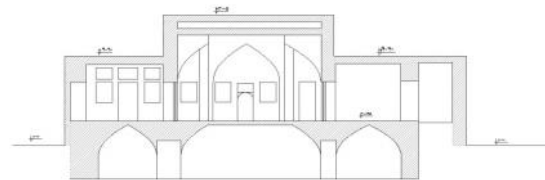
ایوان بودند. ایوان به‌عنوان ییلاق اهل خانه به شمار می‌رفت و در فصل تابستان روزها را در ایوان به سر می‌بردند و شب در آنجا می‌خوابیدند.

با توجه به آنچه گفته شد، نوع ابتدایی مصالح و هوای مرطوب اردبیل سبب شده بود که عمر ساختمان‌های شکل دوم دارای دوام کمتری باشند؛ ولی ساختمان‌های شکل اول با توجه به نوع مصالح و استفاده از آجر بیشتر بوده است. همچنین شهر اردبیل به دلیلی اینکه همواره در معرض تهاجم بوده و غارت‌های مکرری به خود دیده بود، از این رو برای صیانت از خانه‌ها دیوارهای بیرونی آن‌ها بلند ساخته می‌شد و کوچه‌ها و معابر شهری نیز تنگ و پیچ‌درپیچ بوده‌اند (صفری، ۱۳۶۲: ۲۴۹). حال با توجه به مطالب عنوان شده در شهر اردبیل حدود ۱۸ باب خانه بومی و قدیمی ثبت شده از طرف سازمان میراث فرهنگی وجود دارد که هر یک از این خانه‌ها متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند که با توجه به عدم مطالعه علمی و دقیق فقط می‌توان خصوصیات فضایی و کالبدی ظاهری آن‌ها را مشاهده کرد.

در شهر اردبیل نیز مهم‌ترین ویژگی سازمان فضایی خانه‌های سنتی، حیاط مرکزی به‌عنوان فضای باز و طبقات ساختمان به‌عنوان فضای بسته است. هر یک از این فضاها با توجه به کاربرد آن مورد استفاده ساکنان قرار گرفتند. حیاط به‌عنوان فضایی ارتباط‌دهنده در مرکز خانه‌های سنتی اردبیل قرار می‌گرفت. این فضا در اکثر مواقع به‌صورت پلان چهارگوش با هندسه مشخص ساخته و طراحی شده است که نمونه‌های آن در زیر می‌آید.



تصویر ۲: نمای خانه ابراهیمی. (منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی)



تصویر ۱: مقطع خانه ابراهیمی (منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی).



تصویر ۴: خانه ابراهیمی اردبیل. (منبع: نگارنده)



تصویر ۳: ورودی خانه وکیل. (منبع: نگارنده)

در دسته‌بندی پلان‌های خانه‌های مسکونی اردبیل الگوهایی وجود دارد که یکی از این الگوها الگوی خطی است. در این الگو خانه در یک سمت زمین قرار می‌گیرد و حیاط در سمت دیگر. به‌عنوان مثال خانه وکیل در محله، طوری که در جلوی خانه نیز ایوان بزرگی قرار گرفته است. در این الگو که اکثر خانه‌های بومی اردبیل نیز بر این اساس ساخته شده، ارتباط بین فضای داخل و خارج خانه از طریق ایوان مقدور است. در این ترکیب همچنین در ورودی اصلی ساختمان از دالان نیز استفاده نشده است. این نوع پلان‌های خطی در تمام مناطق ایران وجود دارند. یکی دیگر از الگوها که در خانه‌های سنتی اردبیل استفاده شده، الگوی U شکل است که در خانه ابراهیمی دیده می‌شود. عمارت اصلی بنای مذکور که شامل دو طبقه همکف و زیرزمین است، دارای تالار نسبتاً بزرگ و زیبایی است و با یک فضای هشتی کوچک از معبر کوچه وارد حیاط مستطیلی می‌شود.

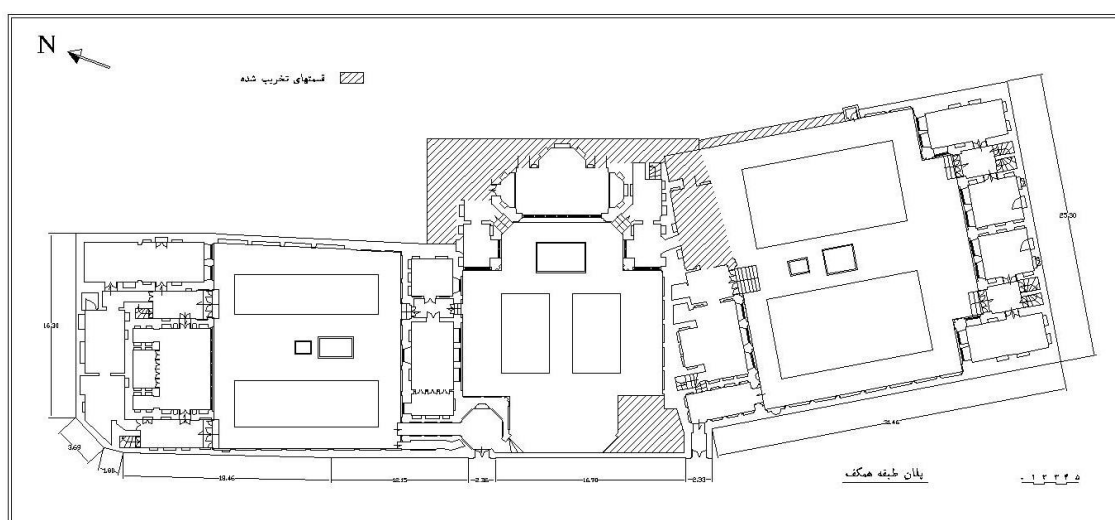


تصویر ۶ و ۵: نمای خانه صادقی. (منبع: نگارنده)

ساختمان دارای نمای آجری است که روی دیوارهایی با آزاره سنگی به ارتفاع یک متر استوار شده است. تالار که بخش مهمی از بنا را تشکیل داده است، شامل دو رواق و یک شاه‌نشین است که با پنجره‌های مشبک ریز با شیشه‌های الوان به‌صورت ارسی زیبا تزئین یافته است. از جمله تزئینات به‌کاررفته در تالار این بنا می‌توان به



مقرنساها، گچ‌بری‌ها، نقاشی‌ها و کتیبه‌های بارز اشاره کرد. این بنای بارز و قدیمی متعلق به دوره زندیه است و البته این خانه نیز تقریباً از همین ترکیب فضایی خطی بهره می‌برد. پلانی درون‌گرا با حیاط مستطیل‌شکل ورودی از دالانی کوتاه و هندسه خطی در حیاط مرکزی که این خصوصیات خطی بودن آن را به‌وضوح نشان می‌دهد. با این تفاوت که پلان این خانه به‌صورت U شکل طراحی و ساخته شده است.



تصویر ۷: پلان خانه صادقی. اردبیل. (منبع: نگارنده)

یکی دیگر از خانه‌های اردبیل که دارای پلان U شکل است، خانه ارشادی است. بخش کنونی بنا، باقیمانده بنا بزرگ‌تری است که بعدها بخش اندرونی آن تفکیک و تخریب شده است. در این عمارت که در دو طبقه، زیرزمین و همکف اجرا شده است، عدم ارتباط بصری مستقیم فضای داخل و بیرون بنا با یک هشتی در ورودی ساختمان تأمین می‌شود. این هشتی ارتباط بین حیاط، فضای بیرون و دو بخش بنا را که یکی از آن‌ها تفکیک و تخریب شده، از چهار جهت عمود بر هم میسر می‌سازد. شاه‌نشین با پوشش عرقچین و مقرنساها گچی در چهارگوشه آن دارای پنجره اورسی شکل بزرگی است که در گذشته دوجداره بوده و در حال حاضر جداره داخلی آن که شامل طرح‌های اسلیمی با شیشه‌های رنگی بوده، از بین رفته است. مطبخ و بخش‌های آخورهای طولی در زیرزمین واقع بوده است. خانه ارشادی دارای پلانی U شکل است. برای ورودی به خانه ابتدا از پیشخوان وارد دالان کوچکی می‌شویم. سپس وارد هشتی شده و از آنجا وارد حیاط مرکزی می‌شویم. الگوی دیگری که در خانه‌های سنتی اردبیل قابل مشاهده است، الگوی چلیپاست که در خانه میرفتاحی دیده می‌شود. در خانه میرفتاحی پلان کمی تغییر یافته؛ به‌گونه‌ای که حیاط مرکزی دارای شکستگی‌های بسیاری است؛ اما ساختار پلان حیاط همان ساختار هندسی است که در سایر خانه‌ها نیز قابل مشاهده است. سایر طرح خانه‌ها در واقع ترکیب این طرح است؛ به‌گونه‌ای که بنا در دو سمت حیاط قرار می‌گیرد که به‌صورت زمستان‌نشینی و تابستان‌نشینی تقسیم می‌شود. این ترکیب در خانه رضازاده به‌وضوح قابل مشاهده است. سردر ورودی خانه در منتهالیه جنوب شرقی بنا در مقابل میدانچه‌ای قرار گرفته که از طریق هشتی به محوطه حیاط وارد می‌شود.



بخش اعیانی آن در زمین مستطیلی شکلی و در قسمت شمالی بنا واقع شده است. مصالح به کاررفته در آن عمدتاً از سنگ بوده و در پایه‌ها و دیوارها از خشت خام که در نمای آن از آجر استفاده شده است. پوشش سقف نیز چوبی است. ایوان مقابل قسمت اعیانی آن دارای چهار ستون چوبی بوده همچنین ۱۰ ستون آجری نیز پایه‌های نمای ساختمان را تشکیل می‌دهند.

ورودی بخش اعیانی بنا در قسمت وسط بوده که طرفین آن اتاق‌هایی به صورت قرینه قرار گرفته‌اند. اما خانه صادقی اردبیل دارای ساختاری متفاوت است. خانه مجلل و باشکوه آقای صادقی در قلب بافت تاریخی شهر اردبیل واقع شده است که یکی از یادگارهای ارزنده دوران قاجاریه در زمینه معماری مسکن در شهر اردبیل به شمار می‌رود. این خانه تاریخی از ویژگی‌های منحصربه‌فردی بهره می‌برد که شاید جمع این ویژگی‌ها را به‌طور یکجا در کمتر خانه تاریخی بتوان یافت. مجموعه خانه تاریخی صادقی مشتمل بر بخش حسینییه برای تأمین نیاز مراودات اجتماعی خانواده، بخش شاه‌نشین برای تأمین نیاز مراودات رسمی و ارتباط با تجار ایرانی و خارجی خانواده، بخش اندرونی محل زندگی خانواده صادقی و خادم‌نشین، محل زندگی خادمین این خانواده و بخش طویل و استبل برای سرویس‌دهی به این خانواده است. این بنا با پی‌های شفته آهکی، دیوارهای قطور خشتی و آجری و سقف‌های گنبدی و چوبی تیرپوش دو پوش از تیپ عمومی خانه‌های تاریخی اوایل قاجار تبعیت می‌کند. پلان این خانه شامل سه بخش است و هر کدام از این قسمت‌ها دارای پلان U شکل هستند. این نوع ترکیب‌بندی معمولاً در بناهای مناطق گرم و خشک بیشتر به چشم می‌خورد. یکی دیگر از خانه‌های قدیمی اردبیل خانه خادم‌باشی است. این بنا شامل دو حیاط بزرگ است که حیاط اول دارای ساختمانی یک طبقه با فرم نعلی‌شکل است که یک ضلع آن دارای زیرزمین است. بنا دارای ۷ اتاق تودرتو و فاقد تزئینات است. در حیاط دوم (پشتی) ساختمانی دو طبقه با یک طبقه زیرزمین موجود است که توسط راه‌پله‌ای دو طرفه به طبقه اول راه می‌یابد.

جدول ۱: انواع ساختار فضایی در خانه‌های بومی اردبیل. (منبع: نگارنده)

تیپ پلان	خطی	L شکل	U شکل (معکوس شکل)	چلیپا	ترکیبی خطی و U شکل
پلان	خانه وکیل	خانه ابراهیمی	خانه ارشادی	خانه میر فتاحی	خانه خادم باشی
ویژگی‌ها	شامل زیر زمین و طبقه همکف نیمه درون‌گرا ورودی از حیاط شاهنشین (تالار) در مرکز	شامل زیر زمین و طبقه همکف درون‌گرا ورودی از طریق هشتی و دالان شاهنشین در مرکز	شامل زیر زمین و طبقه همکف درون‌گرا ورودی از طریق هشتی شاهنشین در مرکز	شامل زیر زمین و طبقه همکف درون‌گرا ورودی از طریق هشتی و دالان شاهنشین در مرکز دارای قسمت تابستان نشین و زمستان نشین دارای انباری مطبخ و طویله	شامل زیر زمین و طبقه همکف درون‌گرا ورودی از حیاط شاهنشین (تالار) در مرکز

حال با توجه به بررسی انجام‌یافته پلان‌ها و شکل حیاط در دسته‌های زیر جای می‌گیرند. (نگارنده)

## ۲. گونه‌شناسی فرم کالبدی در خانه‌های بومی اردبیل

فرم‌های استفاده‌شده در خانه‌های تاریخی اردبیل دارای اشکال و هندسه منظم، متناسب با زمین احداثی، استفاده از تناسبات انسانی و مصالح بومی و طبیعی است. معماری این خانه نیز غالباً درون‌گرا و نیمه‌درون‌گرا هستند. فرم بیرونی بنا به همین دلیل ساده و بدون تجمل و خودنمایی است. در رابطه با ارتباط بین فرم کالبدی خانه‌ها و بستری که در آن بنا ساخته شده، هماهنگی با بافت کهن و شیوه زندگی مردم و اقلیم کاملاً به چشم می‌آید. رنگ و فرم بناها نیز متناسب با اقلیم طراحی و ساخته شده است. عمده مصالح مورد استفاده نیز سنگ، چوب و آجر است. برای پوشش برخی از قسمت‌های خانه از کاهگل نیز استفاده شده است. طی مشاهدات حضوری و مصاحبه‌های انجام‌یافته با ساکنین خانه‌ها تأثیر مستقیم شیوه زندگی مردم بر شکل خانه‌ها به وضوح مشاهده می‌شود. از دیگر مفاهیمی که تأثیر مستقیم در شکل خانه‌های اردبیل دارد، فرهنگ و مذهب توده مردم است. عوامل فرهنگی جزو علل اصلی در

تغییر شکل خانه‌ها و چگونگی طراحی سلسله‌مراتب فضایی است که در کنار آن، توجه به نظم و تعادل و تقارن در بنا برگرفته از اصولی است که در مذهب و فرهنگ بومی و سنتی ایرانی و اسلامی نیز علاقه به آن دیده می‌شود. نظم مذهبی که مردم در عزاداری و مراسم‌های دینی دارند، همان تعادل و ترتیب و ترکیب در فرم بناها و ترتیب سلسله‌مراتب فضایی نیز خود را نشان می‌دهد. در سطح‌بندی تأثیر فرهنگ و شکل بنا که به دسته‌بندی مصالح و فرم و ساختار فضایی و نوع ترکیب اشکال هندسی در بنا برمی‌گردد، تأثیر این موضوع به‌گونه‌ای است که الگوی معماری خانه‌های سنتی از نحوه ارتباط مردم با مذهب نشأت گرفته است. موضوعی که راپاپورت نیز به آن اشاره مستقیم دارد، تأثیر سه عامل شیوه زندگی، مذهب و اصول فنی و اقلیمی در معماری سنتی است (راپاپورت، ۱۹۲۹: ۶۵). دسته‌بندی نمای ساختمان نیز بر این اساس قابل فهم‌تر است. موضوعی که سبب رمزگشایی فرم‌ها و ساختارها اشکال هندسی استفاده‌شده در بنا می‌شود. نحوه گسترش فضایی خانه‌ها نیز بر این اساس است. طبق بررسی‌های انجام‌یافته ساختار معماری این منطقه از مرکزیت‌بخشی به یک فضای عمومی آغاز می‌شود که همان تالار یا شاه‌نشین است. این فضا دارای تزئیناتی است که برگرفته از مفاهیمی است که مردم خود علاقه وافر به آن دارند. موضوع دیگری که در خانه‌های اردبیل قابل مشاهده است، پیوستگی و وحدت در اجزا و اندام‌های خانه‌های سنتی و بومی است که در اکثر این خانه‌ها قابل مشاهده است. (تصویر خانه) وجود حیاط مرکزی در تمام خانه‌ها به عنوان اندام اصلی بنا که این موضوع نیز برگرفته از باورهای فرهنگی و دینی مردم است، سبب تقویت بنیان خانواده نیز می‌شود. در خانه‌های سنتی با توجه به الگوهایی که از مساجد و مدارس گرفته شده، تقارن در بنا حفظ شده و در اکثر فضاها و در تزئینات نیز به آن بسیار توجه می‌شود. در این خانه‌ها اکثر شاه‌نشینی در سمت شمال و روبه‌جنوب طراحی و ساخته شده است. در دو طرف آن نیز اتاق‌های خواب قرار گرفته‌اند. این تقسیمات در معماری سنتی اکثر مناطق ایران نیز دیده می‌شود. در معماری ایرانی معمولاً مرکزیت با حضور یک عنصر شاخص در وسط نما دیده می‌شود. این عنصر ایوان است اما در اردبیل به دلیل برودت هوا در خانه‌های سنتی جز موارد اندک معمولاً از ایوان استفاده نشده است و تقارن فقط در نما با حضور تالار (با ارتفاع زیاد) و راهروهایی در کنار آن مشخص می‌شود.

الینه در شکل‌گیری خانه‌های سنتی اردبیل نباید نقش اقلیم را نادیده گرفت. ورودی فضا که با پیشخوان و دالان‌هایی آغاز می‌شود و سپس این دالان‌ها به‌عنوان فضای ارتباطی و همچنین فیلتر بین فضاها استفاده می‌شوند که از نظر اقلیمی تأثیر مستقیمی در ذخیره انرژی دارد. همچنین تفاوت دیگری که در بناهای اقلیم گرم و خشک و اقلیم سرد دیده می‌شود، قرارگیری مطبخ در مرکز بنا و نزدیک به فضاهای نشیمن است که این موضوع نیز سبب استفاده از گرمای مطبخ برای گرم کردن فضاهای اندرونی خانه می‌شود. عامل دیگری که در روند شکل‌گیری خانه‌های اردبیل تأثیرگذار بوده است، عوامل اجتماعی است. طبق بررسی‌های انجام‌یافته تقریباً تمامی خانه‌های سنتی و دارای ارزش، متعلق به تجار، روحانیون و اشخاص دارای شخصیت اجتماعی بوده است. البته از نظر ساختار کلی بنا یکسان بوده ولی موقعیت اجتماعی مالکین سبب تغییر در ترکیب برخی از فضاها شده است؛ به گونه‌ای که خانه‌های روحانیون دارای فضاهایی جهت تدریس علوم دینی، حسینیه و نظایر آن بوده که این موضوع در خانه مروج به‌وضوح دیده

می‌شود. همچنین در خانه تجار نیز فضایی برای پذیرایی از مهمانان خاص و انبار و فضاهای خدماتی مربوط به شغل مالک در فضاها دیده می‌شود. (خانه رضازاده اردبیل).

در خانه صادقی اردبیل در محل حسینیه همچنین برای استفاده زنان از مراسم عزاداری، محلی مخصوص برای آنان نیز در قسمت فوقانی تالار حسینیه طراحی و ساخته شده است. البته پوشش گیاهی خانه‌ها نیز در اردبیل متفاوت است و باغ‌سازی هندسی در حیاط باغچه‌های چهارگوش در چهار سمت حیاط مرکزی با مرکزیت حوض برگرفته از باغ‌سازی ایرانی است با این تفاوت که از پوشش گیاهان برگ ریز استفاده شده تا در فصل زمستان مانع تابش آفتاب به داخل خانه نشوند.

جدول ۲: عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری خانه‌های بومی اردبیل برگرفته از نظریات راپاپورت.

<ul style="list-style-type: none"> <li>- بافت فشرده و پیوسته و متراکم - درونگرایی</li> <li>- استفاده از زیرزمین جهت بهره‌گیری از گرمای زمین</li> <li>- سقف صاف، ارتفاع کم، رنگ مصالح تیره و ...</li> </ul>	سرد کوهستانی	اقلیم (اصول فنی)
<ul style="list-style-type: none"> <li>- درونگرایی</li> <li>- توجه به ساختارهای مذهبی در بنا</li> <li>- استفاده از اشکال هندسی خاص جهت ارتباط انسان با خدا</li> </ul>		شرایط فرهنگی (مذهبی)
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد انبار، فضای نگهداری کالا در خانه</li> <li>وجود فضایی برای پذیرایی از مهمانان، استفاده از تزئینات در داخل بنا</li> </ul>	تجار	شرایط اجتماعی ساکنین شیوه زندگی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد فضایی برای تدریس علوم دینی</li> <li>- ایجاد حسینیه</li> </ul>	روحانیون	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- دارای حیاط بزرگ جهت جمع‌آوری غلات و نگهداری سهم مالکیت</li> </ul>	مالکان	
<ul style="list-style-type: none"> <li>خانه‌های مردم عادی:</li> <li>- زندگی به صورت ساده</li> <li>- محل زندگی نزدیک محل نگهداری دام</li> <li>- خانه صورت دو اتاق تودرتو همراه با دهلیز ارتباطی</li> </ul>	مردم عادی	

با توجه به بررسی میدانی و کتابخانه‌ای، طراحی خانه‌های بومی اردبیل، متناسب با اقلیم، شیوه زندگی مردم و همچنین ساختار اجتماعی بوده است.



### نتیجه‌گیری

شهر اردبیل و بافت مرکزی آن به‌صورت فشرده و متراکم و خانه‌های به‌هم‌چسبیده طراحی شده که این موضوع یکی به دلیل هجوم اشراک به شهر و مقاومت در برابر آن‌ها بوده و دلیل دیگر نیز توجه به اقلیم خاص این مناطق بوده که این دو موضوع بر شکل معماری خانه‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. از نظر مصالح، تقریباً تمامی خانه‌ها دارای مصالح یکسانی بوده‌اند که عمده این مصالح آجر و خشت همراه با سنگ و چوب بوده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسکن سنتی اردبیل توجه به الگوهای در ساخت است که تقریباً در تمام بناها این الگوها استفاده شده است. الگویی که از نظر شکلی و فضایی در اکثر بناها یکسان ولی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد در هر بناست. این الگوها که برگرفته از شیوه زندگی و شخصیت اجتماعی افراد و ارتباط سازه و معماری است که دارای خصوصیات شکلی و فرمی زیر است:

- ۱- پاسخگویی به نیاز ساکنین؛ ۲- هویت‌دار بودن برای افراد و مردم عادی؛ ۳- تناسب با شرایط جغرافیایی؛ ۴- عدم اشرافیت به سایر بناها و توجه به محرمیت فضا؛ ۵- داشتن حیاط مرکزی و عناصر تملیف‌کننده فضا؛ ۶- توجه به سلسله‌مراتب فضایی و نظم در ورود و خروج از بنا؛ ۷- توجه به هندسه و اشکال هندسی متناسب با مفهوم کارکردی هر فضا؛ ۸- نمای بیرونی ساختمان‌ها ساده و اندرونی دارای تزئینات؛ ۹- طراحی فضا متناسب با کارکرد و نبود فضاهای زائد در بنا؛ ۱۰- استفاده کامل از زمین و توجه به الگوهای شهری در جهت‌گیری بنا؛ ۱۱- طراحی تالار یا شاه‌نشین در وسط بنا جهت ایجاد تقارن مرکزیت‌بخشی به فضا متناسب با اعتقادات بومی مردم، توجه به حضور مهمان و مهمان‌نوازی را تقویت می‌کند. جهت‌گیری خانه‌ها در این منطقه به‌صورت شرقی و غربی با انحراف نسبت به شرق بوده که این موضوع به دلیل استفاده مناسب از گرمای خورشید و همچنین عدم نفوذ بادهای سرد به داخل ساختمان است. همچنین وحدت و پیوستگی فضاها و ارتباط منظم آن‌ها، درون‌گرایی، توجه به حریم خصوصی، وحدت در کثرت و پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنان، ایجاد فضای آرام و دل‌نشین برای استفاده ساکنان، استفاده از تزئینات و ارتباط بین تزئینات با اعتقادات مذهبی از جمله ویژگی‌های عمومی معماری خانه‌های اردبیل است. از دیگر مواردی که به آن می‌توان اشاره کرد، پیوستگی سبک‌های استفاده‌شده در معماری خانه‌هاست به‌گونه‌ای که با بررسی خانه‌های دوره صفویه، افشاریه، زندیه، قاجار و دوره پهلوی به این نتیجه می‌رسیم که در تمامی این دوره‌ها تداوم معماری به‌صورت کاملاً ملموس مشاهده می‌شود. همچنین با بررسی کالبدی خانه‌های اردبیل علاوه بر گونه‌شناسی تاریخی که در بالا نیز به آن اشاره شد، از نظر کالبدی و شکلی نیز تقریباً این تداوم وجود دارد و فقط با تغییر دوره قسمت‌هایی به بنای اصلی اضافه یا کم شده است. از این بررسی به این نکته می‌توان اشاره کرد که خانه‌ها و استفاده از عناصر کالبدی و فضایی آن می‌تواند در شکل هویتی خانه‌های امروز و تداوم معماری و ارتباط با معماری گذشته ایران بسیار اثرگذار باشد.

## منابع

### کتاب‌ها

- ابن حوقل. (۱۳۴۵). *صورة الارض*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحق. (۱۳۷۳). *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار.
- امیری، پیمان. (۱۳۸۴). *در جستجوی هویت شهری اردبیل*، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- اولیاریوس، آدام. (۱۳۶۹). *سفرنامه آدام اولیاریوس*، ج ۲، ترجمه حسن کرد بچه، تهران: کتاب برای همه.
- برنال، جان. (۱۳۸۰). *علم در تاریخ*، ترجمه حسین اسدیپور - کامران فانی، تهران: امیر کبیر.
- به آذین، داریوش. (۱۳۸۲). *اردبیل (از ایران چه می‌دانم)*، ۲۹، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پیرنیا، حسن. (۱۳۸۳). *عصر اساطیری تاریخ ایران*، به اهتمام سیروس ایزدی، تهران: هیرمند.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: نشر سروش دانش.
- سحابی، یدالله. (۱۳۵۱). *خلقت انسان*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صفری، بابا. (۱۳۶۲). *اردبیل در گذر تاریخ*، جلد (۱)، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل.
- صفری، بابا. (۱۳۶۲). *اردبیل در گذر تاریخ*، جلد (۲)، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل.
- صفری، بابا. (۱۳۶۲). *اردبیل در گذر تاریخ*، جلد (۳)، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل.
- کرایر، راب. (۱۳۸۰). *گونه‌شناسی عناصر پایه در معماری*، مترجمان عباسعلی شاهرودی و احمد خوشنویس، قزوین: انتشارات سایه‌گستر.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۱). *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی*، گونه‌شناسی برون‌گرا، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۳). *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی*، گونه‌شناسی درون‌گرا، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- معین، محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی*، تهران: نشر سرایش.
- نوربرگ، شولتز، کریستین. (۱۳۸۷). *مفهوم سکونت (به‌سوی معماری تمثیلی)*، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، چاپ سوم، تهران: آگه.
- هردوگ، کلاوس. (۱۳۷۶). *ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکمنستان*، ترجمه واحد پژوهش بانیان، تهران: انتشارات بوم.

**پایان نامه**

افشار، خاص میر. (۱۳۶۹). طراحی فضاهای شهری و معماری بافت قدیم اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.

پیغامی، لیلا. (۱۳۸۸). بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و طراحی سر در آن جهت وحدت بخشیدن به موضوع، پایان نامه کارشناسی ارشد پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران.

**منابع لاتین**

Barthes, R. (۱۹۷۷). "The death of the author." In Image-Music-Text, translated by Stephen Heath, ۱۴۲-۱۴۸. Glasgow: Fontana.

Bourdieu, P. (۱۹۷۷). Outline of a Theory and Practice. Cambridge: Cambridge University Press.

Decarlo, G. (۱۹۸۵). Not Sulla Incontinente Ascesa della Tipologia, Cesabella, ۵۰۹- ۵۱۰ pp ۴۶- ۵۲.

Muratori, S. (۱۹۸۰). Storia e Critica dell'Architettura Contemporanea, Roma, Centro Studi Storia Urbanistica.

Rapoport, A. (۱۹۷۷). Human aspects of urban form: towards a man-environment approach to urbanform and design, pergamon press, New York.

Santelli, S., & Diba Darab-Philippe R. (۲۰۰۱). "Maisons d'Ispahan", Maisnneuve Larose Architecture Urbanism & Time, Vision for the Future, proceedings of ARUP ۲۰۰۸, second international conference, Ain Shams University, Cairo, ۲۰۰۸.

Wojtowicz, J., & Fawcett, W. (۱۹۸۶). Architecture Formal Approach Academy Editions, London.